

«بینوایان» با حضور ۴۰ بازیگر تئاتر و سینما صوتی شد

کامل ترین نسخه «بینوایان» با حضور جمعی از بازیگران شناخته شده تئاتر و سینما به صورت صوتی منتشر می شود. بینوایان به عنوان یکی از آثار صوتی رادیوگوشه منتشر شد و اولین قسمت آن در دسترس مخاطبان قرار گرفت. ویکتور هوگو این اثر کلاسیک و سترگ ادبی و از مهم ترین آثار تاریخ ادبیات را که تاکنون فیلم ها و نمایشنامه های بسیاری از آن اقتباس شده است، در سال ۱۸۶۲ منتشر کرد.

این اثر در ایران هم باتوجه فراوان روبه روبروده و ترجمه های مختلفی از آن به بازار آمده است. صوتی شدن این اثر نیز پاسخی است به روز تر به خواست مخاطبان. فرانزه ابراهیم زاده، مدیر این پروژه، گفته است که تاکنون نسخه های گوناگونی از کتاب «بینوایان» در کشورمان منتشر شده، اما هیچ کدام از ترجمه ها کامل نبوده است. او ادامه داد: در این پروژه از ترجمه محمد پارسایار که از سوی نشر هروس منتشر شده است، استفاده می کنیم. اوکلر مان «بینوایان» را ترجمه کرده که یک اثر دو جلدی است و مان آن را در قالب پنج کتاب صوتی ارائه می کنیم که به صورت ماهانه منتشر می شود.

ابراهیم زاده با ارائه توضیحاتی درباره شیوه خوانش این اثر افزود: آنچه برای ما اهمیت داشته، این است که هیچ یک از همکاران بازیگر، صداسازی نکنند، بلکه همه در سن خودشان، شخصیت ها را روایت کنند. بنابراین همه خوانش ها واقعی است و ما سمت نمایش رادیویی یا نمایشنامه خوانی نرفته ایم تا آنچه آماده می شود، کاملا مطابق تعریف کتاب صوتی باشد که البته کار سختی است ولی باتوجه به حضور چهره های حرفه ای بازیگری، این هدف محقق شده است. در خوانش این کتاب، مسعود کرامتی در نقش ژان والژان، مجید آقا کریمی در نقش ژاور، مهتاب نصیرپور در نقش فانتین، رضا بهبودی در نقش پدر روحانی، ترمه وثوق در نقش کودکی کوزت، بهار گانوزی در نقش جوانی کوزت، هوتن شکبیا در تنار دیه، ستاره حسینی در نقش خانم تنار دیه، نیما ریسی در نقش ماریوس و... حضور دارند. همچنین با نیال شومون، سهیل مستجابیان، مجید یوسفی، علیرضا ناصحی، سوگل خلیق، الهام اخوان، ناهید مسلمی، نگار نیک دل، لیلی فرهادپور، ژولیت رضاعی و... از دیگر چهره هایی هستند که در خوانش این کتاب همکاری کرده اند. اشکان عقیلی پور نیز راوی داستان است.



تمبر یادبود سهروردی منتشر شد



تمبر شهاب الدین سهروردی با هدف پاسداشت گنجینه های فلسفه ایرانی در مجموعه تمبرهای یادبود کشور منتشر شد. به گزارش ایرنا، نخستین تمبر از سری تمبرهای گنجینه های فلسفه ایرانی، یادبود «شهاب الدین سهروردی» توسط شرکت ملی پست و به ابتکار و طراحی محله نقد اندیشه در تیراژ ۶۰ هزار سری منتشر شد و در مراکز پستی کشورمان قابل تهیه و استفاده است. کالیگرافی وسط تمبر، شامل نام شهاب الدین سهروردی و میانه شمسه است که برپایه مفاهیم فلسفه سهروردی طراحی شده و نقوش کناری نیز با نظر به دوره سلجوقی و زمانه حیات این فیلسوف بزرگ ایرانی کار شده و اثر ایلیا تهمتنی است. بهای این تمبر ۲۰۰ هزار ریال است. این نخستین بار است که تمبر شهاب الدین سهروردی در مجموعه تمبرهای یادبود کشور منتشر می شود.

- تمبر فلسفه ایرانی و نقشه ایران فرهنگی

مدیر مسئول و سردبیر مجله نقد اندیشه پیرامون انتشار این تمبر ملی گفت: تجربه انتشار نقشه ایران فرهنگی در شماره اول مجله نشان داد که رسانه های فراموش شده همچنان از قدرتی برخوردار هستند که می توانند به کمک تولید ارزش افزوده های فرهنگی بیایند و به روزنامه نگاری دانشورانه، وسعتی تازه بدهند. پیام فضلی نژاد افزود: در ایران امروز انتشار نقشه های هویتی در قالب کاغذی و... رو به فراموشی است، در حالی که نقشه خود به تنهایی یک رسانه است، همان طور که تمبر نیز یک رسانه مستقل به شمار می رود و هر چند نفوذ آن در دنیای امروز نیز از گستردگی بسیار برخوردار است، اما تمبر در کشور ما کمتر به عنوان بستری برای اندیشه و فلسفه تلقی شده است.

زین قنبر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- ناوبراسته**✖
- عیدسعیدفطر را به همهٔ مسلمانان تبریک عرض می نمایم.**
- ویراسته**✔
- عیدسعیدفطر را به همهٔ مسلمانان تبریک عرض می کنیم/ تبریک می گوئیم.**
- نکته**

در فارسی معیار امروز که باید فاصلهٔ زبان نوشتار با زبان گفتار کم شود، کار بست نمودن، پیشنهاد نمی شود؛ چنان که کسی در زبان گفتار، نمی گوید: «تبریک عرض می نمایم.»

#زین-قنبراسری

شهریار

اشته ۱۲ فورین-۱۴۴۳۵۰شوال ۱۴۴۵شماره ۲۱۲۲



فرهنگ و ادبیات

- کتابداری با گرایش های مختلف دوام نمی آورد جاویدی معتقد است رشته کتابداری مثل هر رشته دیگر، یک تعریف دارد که ظاهر قضیه را شکل می دهد، اما پس از ورود به بازار کار و فعالیت به عنوان یک کتابدار، به شدت بسط پیدا می کند و گسترده می شود.» «در واقع در وادی تئوری یک چیز است و در محدوده عمل، ندانسته که این دریاچه موج خون فشان دارد! کتابداران دانش بشریت را مدیریت می کنند و برای اینکه به خوبی از عهده کار خود بر بیایند باید بر حیطه های موضوعی مختلف تسلط داشته باشند و در کنار این تسلط، باید همیشه در تلاش باشند تا خود را به روز نگاه دارند.» او

می گوید به دلیل همین گستردگی، این رشته را به لحاظ موضوعی تقسیم بندی کردند و به عنوان مثال کتابدار پزشکی یا کتابدار عمومی یا کتابدار علوم اجتماعی در زیرشاخه های این رشته قرار گرفت؛ «دانشگاه تهران در برهه ای از زمان کتابدار پزشکی تربیت می کرد و اصلا متقاضیان ش را از رشته علوم تجربی می گرفت. وضعیت امروز اما تغییر کرده است و این موضوع در آموزش های دانشگاهی امروز رایج نیست. در دانشگاه فردوسی نیز هیچ وقت به این صورت نبوده است. به هر حال، این افراد باید جذب بازار کار می شدند و به صورت تخصصی در کتابخانه های ما که خیلی هم گسترش ندارد مشغول به کار می شدند. باید می رفتند در کدام کتابخانه ها کار می کردند؟ کتابداری ما نسبت به کتابداری در سطح جهان به شدت محدود است.»

- دنیای بی حدوصرفه کسی نمی تواند مدعی اش باشد او صحبت هایش را این گونه پیش می برد: «برای شخص خود من کتابداری یک تشخیص است. این حرفه برای افرادی جذاب است که به کسب دانش علاقه مند هستند و هر دانشی که در جهان است به عنوان یک سؤال برایش مطرح است. در کتابداری تغییر و تحولات بسیار است و با سرعت بالا اتفاق می افتد. از زمانی که من وارد

رسالتی سنگین اما بدون پشتوانه

گفت وگو با یکی از کتابداران بازنشسته دانشگاه فردوسی مشهد درباره این حرفه و ویژگی های آن



این حرفه شدم تا کنون که فقط چندین و چند اثر و نویسنده مطرح شده است. سبک نویسندگی مثل مینیمال نویسی یا داستان های کوتاه چند کلمه ای که اصلا وجود نداشته است. هر دانشی که گسترش پیدا می کند یک سرش به کتاب ها و کتابداری برمی گردد. کتابدار باید به همه این کلیات و جزئیات اشراف داشته باشد تا بتواند آن را مدیریت کند. دنیای بی حد و حصری است و کسی نمی تواند ادعا کند که عناوین رده بندی همه کتب را می داند.»

- بازار کتابداری خوب نیست

جاویدی در ادامه صحبت هایش درباره بازار کار این رشته نیز صحبت می کند و می گوید: «بازار کار در این رشته وضعیت خوبی ندارد. کارهای فرهنگی وضعیت خوبی ندارند. شما ببینید هنوز دانشگاهی که یک نهاد علمی، فرهنگی و کاملاً تخصصی محسوب می شود، رؤسای کتابخانه خودش را از استادان این رشته انتخاب نمی کند. این در حالی است که افرادی هستند با درجات علمی بالا که در همین حوزه مدرک هم دارند. به نظر می رسد فعلاً فقط باید مدارا کرد و در انتظار رشد آن بود. اکنون متأسفانه به دلیل اینکه پشتوانه فرهنگی، آموزشی و دانشگاهی خوبی وجود ندارد و به تبع آن وضعیت خوبی حاکم نیست، موضوع هایی چون حقوق و مزایای مطلوب نیز منتفی است. به واسطه اینکه دارند یک کار آموزشی را پیش می برند، حالا مزایا هم که نخواهیم بگوییم، لااقل باید تعطیلی مشابه با اعضای هیئت علمی داشته باشند.»

- سؤالی شکل نمی گیرد که در چیست وجوی جوابش برآیند ما اعلت این مهجوریت را باید در کجا جست وجو کرد؟ آیا این اتفاق ادامه همان داستان مظلومیت کتاب و کتاب خواندن و مطالعه است؟ آزاده جاویدی معتقد است کتاب خواندن یا تشویق به مطالعه، امری نیست که ما بگوییم می خواهیم آن را پیش ببریم و مردم به

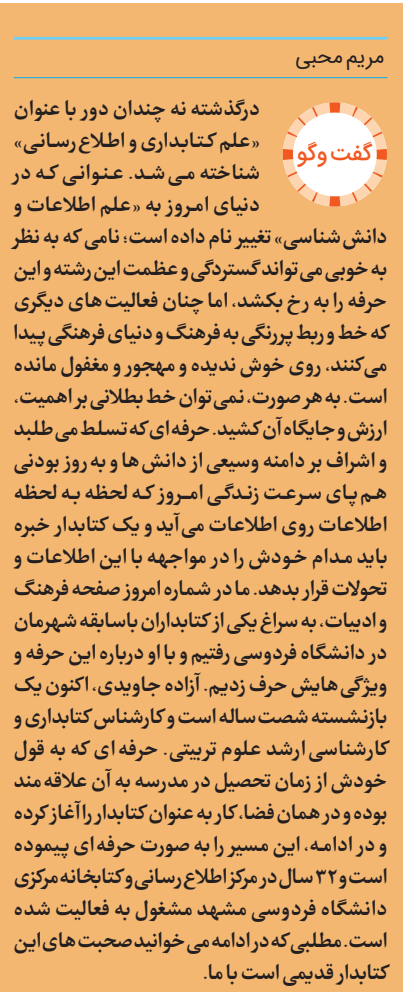
صورت مستقیم نیاز به آن را احساس کنند. او می گوید درباره دانش کسی سؤالی برایش ایجاد نمی شود که به دنبال پاسخش باشد.

- راه های زیادی برای جذب به کتابخانه وجود دارد، اما! «رسانه را که کتابخانه های بزرگ جهان بر دوش خود احساس می کنند، برای کتابخانه های عمومی و دانشگاهی ما مطرح نیست. وضعیت کتابخانه های عمومی در سطح جهان بسیار پیشرفته تر از کتابخانه های دانشگاهی ماست.» این بخش دیگری از صحبت های این کتابدار با سابقه است و در ادامه نیز به ما می گوید: «همان سیستم تهیه کتاب که بر اساس درخواست دانشجویانجام می شود، در کتابخانه های خارج از کشور برقرار است، اما به همه زبان ها. یعنی وقتی شما وارد یک کتابخانه می شوید و مثلاً یک دیوان حافظ می خواهید و آن را پیدا نمی کنید، می توانید بلافاصله همان جا برای تهیه و خرید آن درخواست بدهید تا برای شما خریداری کنند. درباره اقلام فرهنگی دیگر چون فیلم و اسلاید و ... نیز چنین است. مدتی پیش به مرکز رایانه دانشگاه پیشنهاد دادم تا به عنوان یک عامل مشوق سهمیه ای را برای استفاده از اینترنت برای دانشجویان در نظر بگیرد که البته محقق نشد. جز این در موضوع های دیگری چون وجود وسایل نقلیه مناسب و در زمان مناسب، برای حمل و نقل دانشجویها به کتابخانه نیز واقعا اهمال شده است. راهکارهای جذب به کتابخانه وجود دارد و زیاد هم هست، اما اتفاقی نمی افتد.»

- قضایای کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی وضعیت کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی چگونه است؟ صحبت هایمان به اینجا که می رسد جاویدی می گوید: «اصلاً دوست ندارم وارد قضایای کتابخانه مرکزی شوم. شانه زده واحد کتابخانه ای را به هم ریختند و آوردند در یک محل و منابع را همه یکجا گذاشتند. معلوم است که چا نمی شود! سالن مطالعه ندارد. صندلی مطالعه کننده نیست. دور تا دور حاشیه قسمت بالا شاید سی، چهل نفر جا شوند. میزهای تک نفره گذاشته اند. این جور نیست که چیزی نباشد. هست،

درباره موضوع گیری های سیاسی گوئتر گراس، نویسنده برنده نوبل، به مناسبت سال مرگش

ما مقصریم که گذاشتیم فریمان بدهند



گفت وگو

در گذشته به چندان دور با عنوان «علم کتابداری و اطلاع رسانی» شناخته می شد. عنوانی که در دنیای امروز به «علم اطلاعات و دانش شناسی» تغییر نام داده است؛ نامی که به نظر به خوبی می تواند گستردگی و عظمت این رشته و این حرفه را به رخ بکشد. اما چنان فعالیت های دیگری که خط و ربط پررنگی به فرهنگ و دنیای فرهنگی پیدا می کنند، روی خوش ندیده و مهجور و مغفول مانده است. به هر صورت، نمی توان خط پلاتانی بر اهمیت، ارزش و جایگاه آن کشید. حرفه ای که تسلط می طلبد و اشراف بر دامنه وسیعی از دانش ها و به روز بودنی هم پای سرعت زندگی امروز که لحظه به لحظه اطلاعات روی اطلاعات می آید و یک کتابدار خبره باید مدام خودش را در مواجهه با این اطلاعات و تحولات قرار بدهد. ما در شماره امروز صفحه فرهنگ و ادبیات، به سراغ یکی از کتابداران با سابقه شهرمان در دانشگاه فردوسی رفتیم و با او درباره این حرفه و ویژگی هایش حرف زدیم. آزاده جاویدی، اکنون یک بازنشسته شصت ساله است و کارشناس کتابداری و کارشناسی ارشد علوم تربیتی. حرفه ای که به قول خودش از زمان تحصیل در مدرسه به آن علاقه مند بوده و در همان فضا، کار به عنوان کتابدار را آغاز کرده و در ادامه، این مسیر را به صورت حرفه ای پیموه است ۲۲ سال در مرکز اطلاع رسانی و کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به فعالیت شده است. مطلبی که در ادامه می خوانید صحبت های این کتابدار قدیمی است با ما.

اما در حد خیلی پایین و بی ارزش. مدام محدودتر می شود و مدام تعداد مراجه کننده کم می شود. علاوه بر این، اداره چاپ و نشر دانشگاه با کتابخانه مرکزی ادغام شده است که این اتفاق، ضررهای خودش را دارد، محدودیت هایی را به وجود می آورد و ممکن است بودجه بندی ها را به هم بریزد.»

- کتابخانه ها برای نسل جدید جذابیت ندارند آزاده جاویدی با اینکه اکنون بازنشسته شده است، اما به گفته خودش همچنان سروکارش با کتاب است و ادبیات. او مدرس دوره های جلسه های ادبیات عرفانی در دانشگاه فردوسی نیز هست و معتقد است بسیاری از مردم ما ادبیات عرفانی را با ادبیات دینی اشتباه می گیرند. ذیل صحبت هایمان گریزی هم به این برنامه می زنیم و لب کلام او البته یک گلایه است که به نظر گلایه اشنا ای این دوره و زمانه است: «نسل جدید اصلاً حاضر نیست بیاید سر این جلسه ها بنشینند. آن حافظ اهل پیامک دادن هستند و چت در شبکه های اجتماعی. ادبیات خاص خودشان را دارند و به هیچ وجه حاضر نیستند داخل کتاب های برخی به این عریض و طویلی چه نوشته شده است. برخی رمان ها کمی برایشان جذاب است و جز این فقط سروکارشان با کتاب ها می درسی است. در قالب دیگری فکر نمی کنم کتابخانه ها برایشان جذابیتی داشته باشد. جورش را هم داریم می کشیم البته.» او در بخش دیگری از صحبت هایش منحصراً درباره کتابخانه های عمومی می گوید: «وظایف زیادی بر دوش کتابخانه های عمومی قرار دارد. به عنوان مثال، فراهم کردن ایستگاه های محلی ارائه کتاب یکی از این وظایف است. یا به عنوان نمونه ای دیگر باید این توانایی را داشته باشد که بتواند افراد مختلف با موقعیت ها و سلیاق متفاوت را به کتابخانه ها جذب کند.» جاویدی در انتهای صحبت هایش به این نکته نیز اشاره می کند که گروه های جامعه چون کیم سوادها، اقلیت های زبانی، عقیدتی، خانه دارها و ... باید در نظر گرفته شوند و کتاب ها و منابع اطلاعاتی مورد نیازشان فراهم شود و حتی باید تحت تعلیم و آموزش قرار بگیرند؛